



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

آینده اقتصاد، تولید و بخش خصوصی: بینش های رئیس جمهور آینده و پیشنهادهای



خرداد ۱۴۰۳



آینده اقتصاد، تولید و بخش خصوصی: بینش های رئیس جمهور آینده و پیشنهادهای

مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و
کشاورزی ایران
خردادماه ۱۴۰۳



شناسنامه گزارش



عنوان گزارش:

تولید و بخش خصوصی:
بینش های رئیس جمهور آینده و پیشنهادهای

واژه های کلیدی: وضعیت اقتصاد ایران، سیاست های ارزی، پولی، مالی، تجاری، تقویت بخش خصوصی، سیاست خارجی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵



فهرست مطالب

ابتدای کلام: پرسش هایی درباره بینش اقتصادی کاندیداهای محترم	۴
مقدمه	۵
وضعیت اقتصاد ایران	۷
الف. رشد اقتصادی	۷
ب. سرمایه گذاری	۹
ج. نرخ تورم	۱۱
د. شاخص مدیران خرید	۱۲
ه. اشتغال	۱۳
و. ساختار شبکه اقتصاد ایران	۱۴
چشم انداز متغیرهای اقتصاد کلان در افق ۱۴۰۴-۱۴۰۰	۱۵
رویکرد تحول آفرین: بهبود توان تولید رقابت پذیر ملی	۱۶
الف) چارچوب پیشنهادی برای تغییر رویکرد به سمت تولید محوری در ایران	۱۷
ب. سیاستهای پیشنهادی	۱۸
۱. سیاست صنعتی:	۱۸
۲. سیاست پولی:	۱۹
۳. سیاست ارزی:	۲۰
۴. سیاست مالی:	۲۱
۵. سیاست تجاری:	۲۳
۶. بهبود محیط کسب و کار	۲۳
۷. سیاست خارجی (رفاه در داخل ↔ صلح در خارج)	۲۴
چکیده مشکلات و راهکارها	۲۶

ابتدای کلام: پرسش هایی درباره بینش اقتصادی کاندیداهای محترم

تقریباً در تمامی دولت‌های گذشته، سیاست‌گذاری بلند مدت و کلان اقتصادی به منظور تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران، با ناکامی مواجه بوده است و آنچه فضای غالب سیاست‌گذاری را قبضه نموده، **سیاست‌گذاری‌های مناسبی و اقتضایی** بوده است. به عبارتی فعالان اقتصادی یا به دلیل وابستگی اقتصاد به نفت، در معرض شوک‌های خارجی قرار داشتند و یا به دلیل عدم وجود برنامه‌ای هدفمند و قابل اجرا، در معرض تصمیمات خلق الساعه قرار دارند. فضایی که قربانی اصلی آن، تولید و در نتیجه اشتغال و رفاه عمومی است. بخش خصوصی انتظار دارد کاندیداهای محترم ریاست جمهوری رویکردهای خود را درباره محورهای زیر به روشنی بیان کنند:

۱. اعتبار دولت‌ها نزد فعالان اقتصادی مخدوش شده است. سالهاست دولت‌ها آنقدر وعده داده اند اما در عمل خلف وعده کرده اند که فعالان اقتصادی در ارزیابی پایش محیط کسب و کار، یکی از مولفه‌هایی که همیشه گلایه می‌کنند "بی ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار" است. همینطور در ارزیابی‌های پایش امنیت سرمایه‌گذاری، فعالین اقتصادی، مولفه "عمل مسئولان ملی به وعده‌های داده‌شده" را جزء نامساعدترین مولفه‌ها ارزیابی می‌کنند. **چگونه قرار است اعتبار را به دولت بازگردانند؟**
۲. ایران دارای ظرفیت‌های بزرگی در حوزه ذخایر انرژی، اقتصاد دریا محور، معادن، نیروی انسانی جوان و توانمند و خلاق و دهها مزیت دیگر است. کارشناسان ظرفیت اقتصادی کشور را تا چهار برابر اندازه اقتصاد فعلی برآورد کرده اند. **برنامه شما برای تحقق این ظرفیت‌ها برای خلق ثروت و درآمد برای مردم کشور چیست؟**
۳. در برخی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های کلیدی، مقدرات اقتصاد کشور و فعالان اقتصادی به دست **نظام دیوانسالاری کم تجربه** داده شده است و افرادی که شناخت دقیقی از امور تولید و صادرات و واردات ندارند، تصمیم‌های اصلی را در این حوزه‌ها می‌گیرند. کاندیداهای محترم چه راه حلی دارند؟
۴. **تقویت تولید اولویت چندم** آنهاست و چه کار مشخصی قرار است برای تقویت بنیه تولیدی کشور انجام دهند؟
۵. **بخش خصوصی در نظریه اقتصادی آنها چه جایگاهی دارد؟** آیا مثل وضعیت فعلی بخش خصوصی فقط اجازه ورود به رشته فعالیت‌های با ارزش افزوده پایین دارد یا به بخش‌های با ارزش افزوده بالا مثل نفت و گاز و پتروشیمی و معدن و غیره می‌تواند به راحتی وارد شود؟
۶. **حد مداخله مطلوب در بازار و قیمت گذاری** کالاهای خصوصی از نظر آنها چیست؟
۷. هزینه مبادلات اقتصادی ایران در سطح بین‌المللی بالاست. همین حالا قیمت کالاهای صادراتی ایران برای مصرف کننده عراقی حدود ۲۰ درصد بیشتر از قیمت‌های سایر رقبا است. چون رابطه تجاری آنها از طریق نظام بانکی انجام می‌شود ولی روابط ما از طریق صرافی. قیمت کالاهای خارجی نیز برای مصرف کننده ایرانی - حتی با دلار بازار آزاد - چند

برابر مردم سایر کشورهاست. برای کاهش این گونه هزینه های مبادله و به طور مشخص پیوستن به گروه

ویژه اقدام مالی (FATF) چه برنامه ای دارند؟

۸. آیا قائل به تفکیک سیاست ها و مقررات در خصوص ارز حاصل از صادرات محصولات منبع پایه (مانند پتروشیمی و معدنی و ...) از صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی، خدمات فنی و مهندسی و فرش و صنایع دستی هستند و آیا قائل هستند که ارزهای حاصل از صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی و خدمات فنی و مهندسی و صنایع دستی و از این قبیل کالاها، در بازار تعیین شود؟

۹. اگر بازار داخلی درباره یک کالا کمبود داشته باشد و همزمان، صادرات آن کالا هم امکان پذیر باشد. آیا شما صادرات

آن کالا را ممنوع خواهید کرد؟

۱۰. مهمترین اولویت دیپلماسی اقتصادی آنها چیست؟ آیا تحریم زدایی اولویت دیپلماسی اقتصادی آنهاست یا

معتقدند که بدون لغو یا کاهش معنادار تحریمها، امکان ارتباط نرمال با اقتصاد جهانی وجود دارد؟

بدیهی است با مشخص شدن رویکرد کاندیداهای محترم درباره موضوعات فوق است که می توان بینش اقتصادی آنها و آینده سیاستها را پیش بینی کرد. در این گزارش پیشنهادهایی درباره سیاست های اقتصادی و بین المللی مطرح شده است که به تدریج کامل تر و به موقع برای رئیس جمهور منتخب ارسال خواهد شد.

مقدمه

دهه هاست که منابع حاصل از نفت و گاز، ساختار اقتصاد و سیاست ایران را تحت تاثیر قرار داده است و نقش اساسی در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران داشته است. آثار ناشی از این منابع در اقتصاد، صرفا به شکل حجم منابع ارزی و ریالی وارد شده به بودجه عمومی دولت، قابل اندازه گیری نیست. ارزش فرآورده های نفت و گاز در داخل (به شکل مصرف نهایی توسط خانوار و به ویژه مصرف واسطه توسط بخشهای حمل و نقل، کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات) با قیمت های دستوری نیز در چرخش چرخ های اقتصاد ایران در پنج دهه اخیر اهمیت بسیار داشته است.

جریان منابع آشکار و ضمنی نفت و گاز ضمن آنکه شاخص هایی مانند دسترسی به آموزش و بهداشت و درآمد سرانه نسبتا بالا و دسترسی به تسهیلات عمومی (مانند آب و برق و گاز) را در دوره طولانی نسبت به میانگین جهانی افزایش داد، اما ساختار اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را بنا گذاشت که بخشی از ویژگی های آن به قرار زیر است:

- ایجاد یک نظام اداری فربه و توزیع کننده و مصرف کننده منابع نفت و گاز که کمتر در خدمت تولید است؛
- عدم تکمیل زنجیره های ارزش و تامین در داخل کشور و تعدد بنگاه های اقتصادی با مقیاس های غیربهرینه در بسیاری از صنایع و تولیدات؛
- شکل دهی به ساختار سیاسی در دولت و مجلس که عمدتا رویکرد توزیعی دارند و به صورت دائمی در حال تولید توقعات جدید در سطح جامعه هستند و در سمت دیگر ایجاد گروه های رانت جو در بین فعالان اقتصادی؛



- تغییر فرهنگ مصرفی مردم و ایجاد سطح رفاهی نامتناسب با بازدهی اقتصاد ملی؛
- گسترش فساد و کاهش ظرفیت پاسخگویی دولت به عنوان نتیجه ناگزیر یک نظام رانتی نفتی؛
- افول سرمایه اجتماعی به دلیل تضعیف اعتماد ملت به دولت که باعث کاهش مشارکت مردمی و ناکامی برنامه‌های کلان ملی شده است؛
- انزوای اقتصادی و عدم احساس نیاز به هم‌پیوندی با شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی و زنجیره‌های جهانی و منطقه‌ای ارزش به دلیل اتکاء به درآمدهای نفتی.

در طول سال‌های گذشته تاکیده‌های فراوانی در سطح سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و به ویژه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای کاهش وابستگی به نفت و جلوگیری از خام‌فروشی در سه دهه اخیر توسط مقام معظم رهبری انجام شد. ایشان صراحتاً در بیانیه گام دوم بیان کردند که: "عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است." متأسفانه به دلایلی از قبیل عدم درک اهمیت موضوع و فقدان رویکرد صحیح در انتخاب مسیر اصلاحات، دشواری مسیر اصلاح و امید به جریان مجدد منابع نفت و گاز، نتیجه‌چندانی از این سیاست‌ها حاصل نشد.

اگرچه در سه سال اخیر به مدد رشد تولید نفت و درآمدهای نفتی، اقتصاد رشدی حدود ۴ درصد را نشان می‌دهد، اما بررسی‌های کارشناسی حاکی از آن است که اولاً این رشدها قابل تداوم و پایدار نیست. ثانیاً رشدهای باکیفیت نیست و بیشتر متأثر از خام‌فروشی است و ثالثاً رویکردهای سنتی همچنان در زنجیره‌های تولید حاکم است که موجب آسیب‌پذیری و شکنندگی کشور شده است. شایان ذکر است که کل منابع حاصل از نفت و گاز سهم دولت در بودجه ۱۴۰۳ حدود ۵۸۰ همت است که تقریباً یک چهارم مخارج دولت را پوشش می‌دهد. با توجه به برخی بررسی‌های کارشناسی مبنی بر نزدیک شدن به سقف تولید، به نظر تراز کردن منابع و مصارف بودجه در یک تا دو سال آینده، دشوارتر خواهد شد (حتی اگر سهم صندوق توسعه ملی نیز در حد ۲۰ درصد محدود شود). اگرچه بودجه ۱۴۰۳ در ظاهر مبتنی بر افزایش ۶۰ درصدی مالیات‌ها تراز شده، اما حفظ افزایش رشد اسمی مالیات‌ها در همین اندازه برای سالهای ۱۴۰۴ به بعد، جز از طریق پذیرش تورم‌های بالا امکان‌پذیر نیست.

با توجه به آنچه ذکر شد و با در نظر گرفتن دامنه اختیارات قانونی رئیس‌جمهور، سطح انتظارات از این قوه می‌بایست تعدیل شده و منطقی باشد. با توجه به نقش کلیدی رئیس‌جمهور در ایجاد تعامل سازنده میان بازیگران مختلف، این انتظار وجود دارد که در درجه اول وی بتواند قواعد بازی را به گونه‌ای تعیین کند تا بازیگران مختلف عرصه سیاست و اقتصاد را در جهت هدف کلان توسعه کشور همراه کند. کشور امروز نیازمند تغییر رویکردها و اتخاذ سیاست‌هایی است که هم ثبات را به اقتصاد و جامعه ایران برگرداند و هم با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های کشور و همکاری سایر قوا و نهادها، ظرفیت‌های بی‌نظیر اقتصاد ایران را برای بهبود رفاه مردمان خوب این سرزمین فعال کند.

در این گزارش تلاش شده تا با ارائه مختصری از وضع موجود کشور و بیان روند برخی شاخص‌های کلان اقتصادی و

چشماندازهای متصور برای آینده آنها، تصویری کلی از مسیر فعلی و پیش روی اقتصاد کشور ارائه و متناسب با آن، پیشنهادهای اصلی بخش خصوصی، بیان شود.

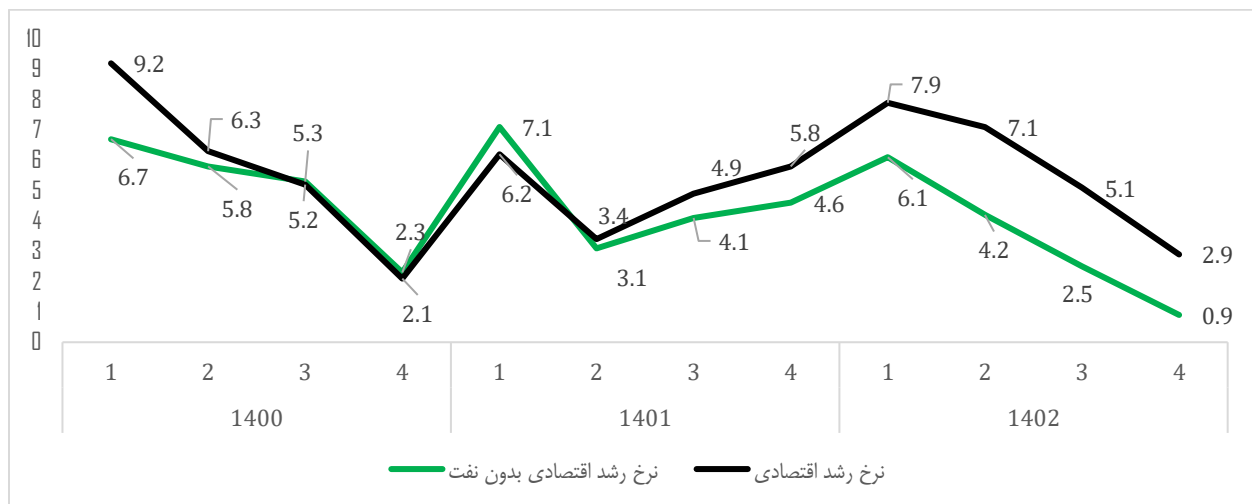
وضعیت اقتصاد ایران

تقریباً در تمامی دولت‌های گذشته، سیاست‌گذاری بلند مدت و کلان اقتصادی به منظور تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران، با ناکامی مواجه بوده است و آنچه فضای غالب سیاست‌گذاری را قبضه نموده، **سیاست‌گذاری‌های نامناسبی و اقتضایی** بوده است. به عبارتی فعالان اقتصادی یا به دلیل وابستگی اقتصاد به نفت، در معرض شوکهای خارجی قرار داشتند و یا به دلیل عدم وجود برنامه‌ای هدفمند و قابل اجرا، در معرض تصمیمات خلق الساعه قرار دارند. فضایی که قربانی اصلی آن، تولید و در نتیجه اشتغال و رفاه عمومی است. مروری بر وضعیت حال حاضر شاخصهای اصلی اقتصاد و روندهای حاکم بر آن در سالهای اخیر نیز مؤید همین مسئله است.

الف. رشد اقتصادی

در فضای نااطمینانی، تولید (به معنای تولیداتی که از خامفروشی فاصله دارند) شکل نمی‌گیرد. گواه این ادعا آمارهای رسمی کشور است. بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ رشد اقتصاد در فصل زمستان ۱۴۰۲، برای سومین فصل متوالی کاهش یافته و به ۲٫۹ درصد و نرخ رشد اقتصاد غیرنفتی به ۰٫۹ درصد رسیده است (نمودار ۱).

نمودار (۱): نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد اقتصادی بدون نفت (درصد-سالانه) (سال پایه: ۱۳۹۰)



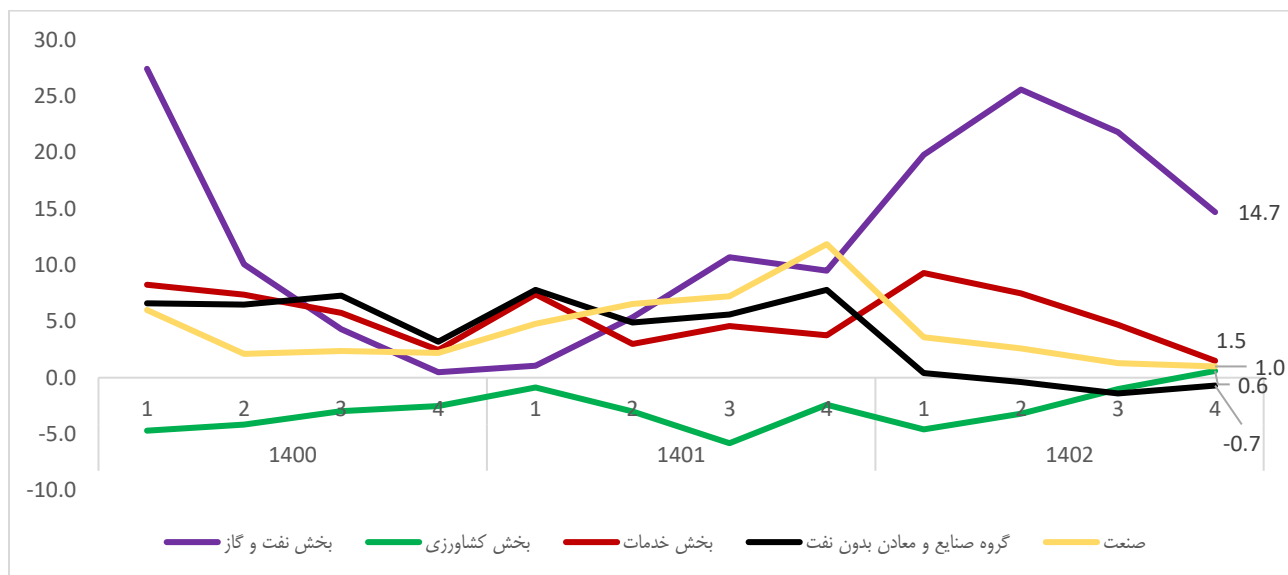
منبع: مرکز آمار ایران

نرخ رشد اقتصادی برای سال ۱۴۰۲ معادل ۵٫۷ درصد و نرخ رشد اقتصادی بدون نفت، ۳٫۴ درصد اعلام شده که در مقایسه با سال گذشته، (به ترتیب ۵٫۱ و ۴٫۸ درصد برای رشد اقتصادی و رشد اقتصاد بدون نفت) اقتصاد با ۰٫۶ واحد درصد رشد بیشتر و ۱٫۴ واحد درصد رشد غیر نفتی کمتر مواجه بوده است (برآورد بانک جهانی نیز از رشد اقتصادی سال ۲۰۲۳-۲۴ برای

ایران، معادل ۵ درصد بوده است). بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش نرخ رشد مخارج دولتی از ۵,۸ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ به ۱۶,۷ درصد در سال ۱۴۰۲، به موازات کاهش نرخ رشد مخارج خصوصی و مخارج سرمایه‌گذاری، تاثیر به سزایی در ایجاد این نرخ رشد داشته و لذا نمی‌توان ادعا نمود که در نتیجه این رشد اقتصادی، رفاه افزایش و یا توسعه ارتقاء یافته است. محیط نامناسب در فضای کسب و کار، ناشی از عدم تنظیم صحیح قواعد و مناسبات حکومت در ارتباط با فعالیتهای بخش خصوصی در کنار بی‌ثباتی‌های گسترده اقتصادی و سیاسی طی چهار دهه گذشته، رشد بخش خصوصی را تضعیف کرده است.

بررسی اجزای رشد اقتصادی در بخشهای مختلف نیز حاکی از این حقیقت هشدار دهنده است که در فصل زمستان ۱۴۰۲، بخش صنعت با رشد ۱ درصد، گروه صنایع و معادن بدون نفت، با رشد منفی ۰,۷ درصد و بخش کشاورزی با رشد ۰,۶ درصد مواجه بوده‌اند. در فصل مذکور بالاترین نرخ رشد مربوط به بخش نفت با ۱۴,۷ درصد و پس از آن نیز بخش خدمات با نرخ رشد ۱,۵ درصدی بوده است. (نمودار ۲).

نمودار (۲): نرخ رشد بخش‌های مختلف اقتصادی (درصد) (سال پایه: ۱۳۹۰)

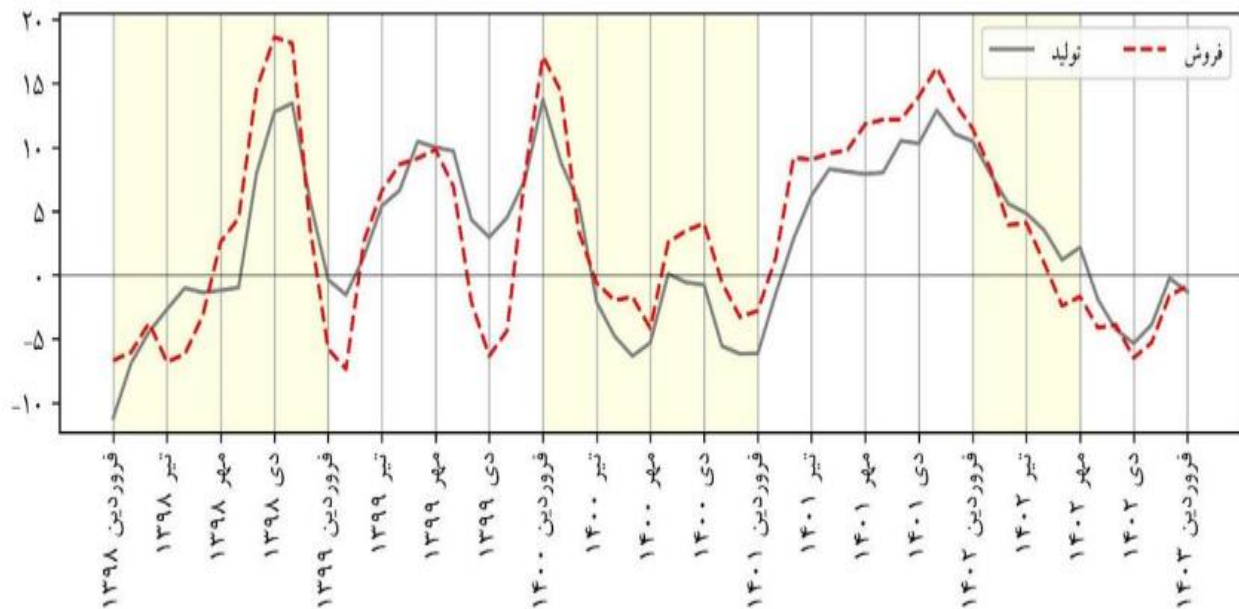


منبع: مرکز آمار ایران

در واقع بیشترین بهره اقتصاد از رشد صادرات در بخش نفت بوده است. منفی بودن رشد بخش صنایع و معادن (بدون نفت) و تداوم رشد کاهشی بخش نفت در کنار تداوم سیاستهای کنترل قیمتی و افزایش نرخهای سود برای تامین مالی تولید، همچنین افزایش فشارهای مالیاتی و احتمال نوسانات رو به بالای نرخ ارز، چشم‌انداز مناسبی از روند آتی تولید و رشد اقتصادی به دست نمیدهد. طبق بررسی بانک جهانی، تقاضای ضعیف‌تر جهانی، تحریم‌های پابرجا به ویژه در حوزه انتقال تکنولوژی، کمبود انرژی، سرمایه‌گذاری اندک و تنش‌های ژئوپلیتیکی هم به تقویت این چشم‌انداز نامساعد کمک می‌کنند.

آمار تولید صنعتی بر مبنای داده‌های شرکت‌های بورسی نیز روند نزولی رشد تولید را در سال گذشته و جاری نشان می‌دهد. (نمودار ۳).

نمودار ۳: نرخ رشد تولید و فروش صنعتی بر مبنای داده‌های شرکت‌های بورسی (درصد)



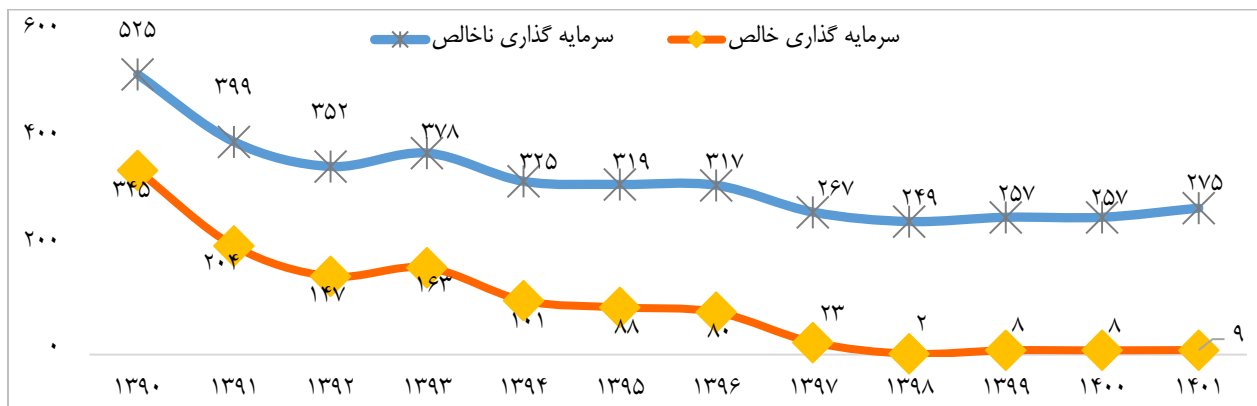
منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

آخرین گزارش پایش بخش حقیقی اقتصاد ایران (بخش صنعت و معدن) که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر می‌شود، حاکی از کاهش ۱,۳ درصدی شاخص تولید شرکتهای صنعتی بورسی در سه ماهه منتهی به فروردین ماه ۱۴۰۳ است که بیانگر هشدار جدی در خصوص چشم انداز نامناسب تولید صنعتی در سال جاری است.

ب. سرمایه گذاری

دستیابی به رشد پایدار، نیازمند تامین سرمایه ثابت برای سرمایه گذاری‌های جدید و اجرای طرحهای توسعه ای بنگاههای تولیدی موجود است. این تشکیل سرمایه به ویژه در بخش صنعت ساخت یا تولیدات کارخانه ای، به واسطه نقش بی بدیل آن در تامین محصولات واسطه ای مورد نیاز سایر بخشهای اقتصاد، اشتغالی، پتانسیل خلق ارزش افزوده بالا و در نتیجه رقم زدن نرخهای رشد باکیفیت، از اهمیت بالایی برخوردار است.

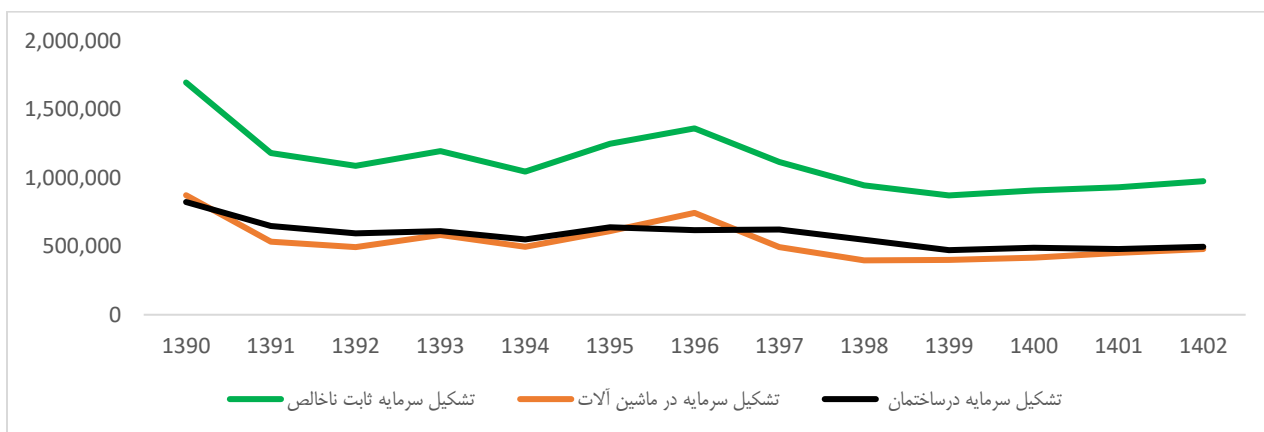
نمودار (۴): روند تشکیل سرمایه ثابت خالص و ناخالص به قیمت ثابت (هزار میلیارد تومان) (سال پایه ۱۳۹۵)



منبع: بانک مرکزی^۱

این درحالی است که بررسی روندهای تشکیل سرمایه ثابت خالص و ناخالص، نشان دهنده کاهش چشمگیر میزان تشکیل سرمایه ثابت در یک دهه گذشته است و افزایش تدریجی فاصله میان سرمایه گذاری خالص و ناخالص گویای این مهم است که بخش قابل توجهی از سرمایه گذاری های انجام شده، تنها صرف جبران استهلاک و حفظ ظرفیت های تولیدی شده است (نمودار ۴). روند استهلاک سرمایه در کشور رو به افزایش و سرمایه گذاری به قیمت ثابت رو به کاهش است؛ به طوری که در سال ۱۴۰۰، بر اساس داده های بانک مرکزی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، تقریباً استهلاک سرمایه با رقم سرمایه گذاری جدید برابر شده است؛ به این معنی که با استمرار این روند در سال های آتی نه تنها استهلاک دارایی های موجود جبران نخواهد شد، بلکه ظرفیت جدیدی هم برای افزایش تولید ناخالص داخلی از منظر سرمایه گذاری ایجاد نمی شود.

نمودار (۵): روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش ماشین آلات و ساختمان به قیمت ثابت (میلیارد ریال) (سال پایه: ۱۳۹۰)



منبع: مرکز آمار ایران

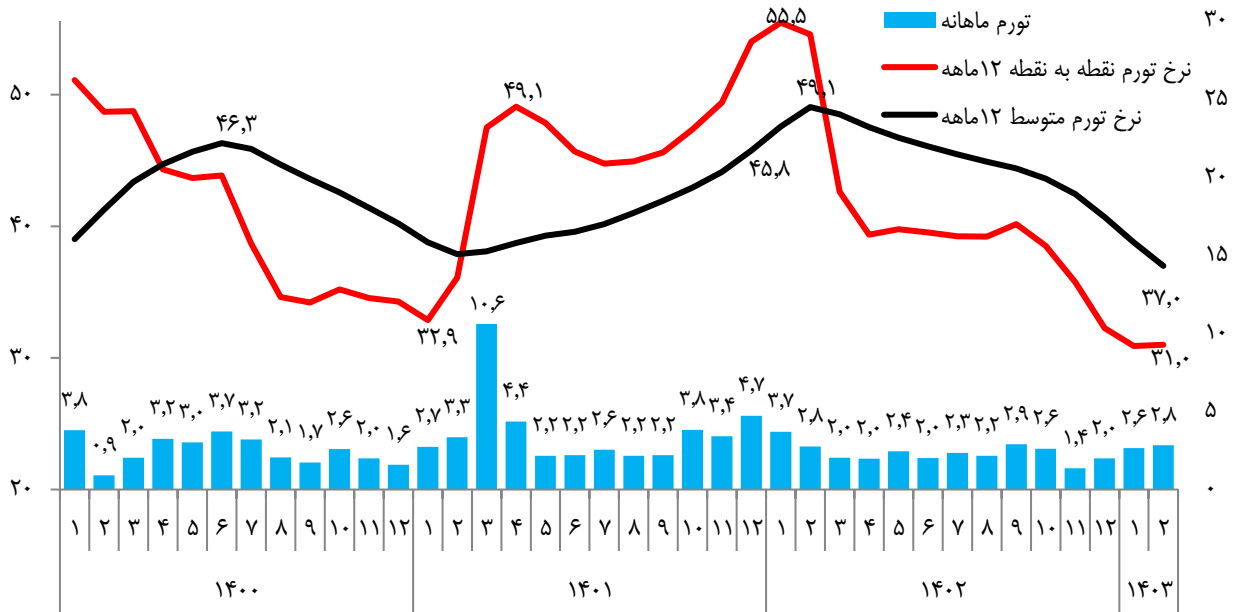
^۱ با توجه به در دسترس بودن آمار استهلاک در بانک مرکزی و در نتیجه امکان محاسبه تشکیل سرمایه خالص، در این نمودار استثنائاً از آمار ارائه شده توسط بانک مرکزی و به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵، استفاده شده است.

روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین آلات و ساختمان نیز طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۴۰۲ به ترتیب میزان 45 و ۳۹ درصد کاهش یافته که بیانگر عدم اقبال سرمایه‌گذاران به حوزه تولید و به عبارتی غالب نبودن نگاه تولیدمحوری در اقتصاد است (نمودار ۵). مجموع این شواهد حاکی از این است که اقتصاد ایران در خطر فروغلتیدن در تله سرمایه‌گذاری اندک قرار دارد. از ابتدای دهه ۹۰ شمسی، در اکثر سال‌ها، رشد سرمایه‌گذاری منفی بوده و رشد موجودی سرمایه کشور - که تا حد زیادی تعیین‌کننده رشد اقتصادی است - بسیار نگران‌کننده است. بدیهی است در صورت عدم انجام اقدامی اساسی در جهت تجهیز منابع و جهش سرمایه‌گذاری در کشور، این خطر بطور جدی برای کشور وجود دارد که در یک تعادل رشد اقتصادی پایین گرفتار شود.

ج. نرخ تورم

نرخ تورم نقطه به نقطه نیز بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، در اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ به ۳۱ درصد و نرخ تورم متوسط به ۳۷ درصد رسیده است (نمودار ۶). اگرچه با سیاستهای کنترل ترازنامه بانکها در سال گذشته تا حدودی شاهد کاهش تورم بودیم، اما نکته مغفول ماجرا آن است که فشار وارده به بخش خصوصی ناشی از این سیاست زیاد بوده است. از نظر بخش خصوصی عدم شناسایی کانون اصلی تورم در سال گذشته، باعث قفل شدگی فعالیت بنگاهها و دست درازی دولت و شرکتهای دولتی به منابع بانکی شد. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، متوسط نرخ رشد مانده تسهیلات بخش غیردولتی طی یک روند نزولی از ۵۲,۷ در پایان سال ۱۴۰۰، به ۳۵,۶ در بهمن ماه سال ۱۴۰۲ رسیده است. در مقابل متوسط نرخ رشد تسهیلات بخش دولتی از ۲۵,۷ درصد در مدت مشابه، به ۷۱,۱ درصد رسیده است. بر اساس گزارشات شاخص مدیران خرید (شامخ)، تورمی که در حال حاضر کشور درگیر آن است، تورم ناشی از فشار هزینه‌ها است که در اثر نوسانات و جهشهای ارزی سالهای اخیر به بخش تولید تحمیل شده و متعاقبا اثر خود را در تورم مصرف‌کننده گذاشته است. همچنین طبق مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در خصوص اقتصاد ایران، کانون اصلی تورم در کشور از ناحیه نرخ ارز است که هزینه‌های تولید را افزایش داده و سازوکار خلق نقدینگی را فعال کرده است (هاشم پسران و همکاران، ۲۰۲۱).

نمودار ۶: نرخ تورم مصرف کننده (درصد)



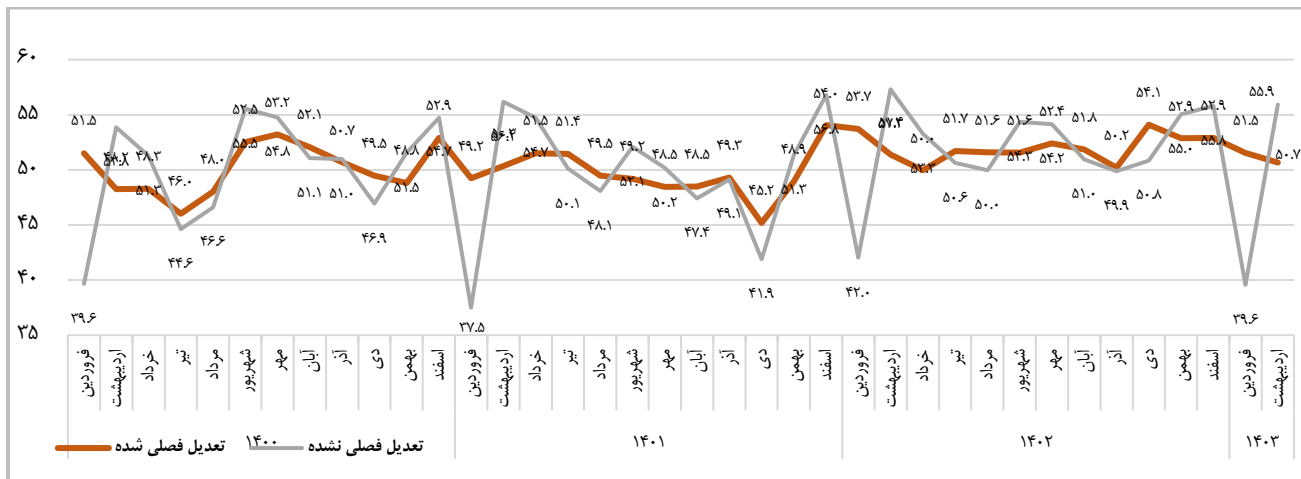
منبع: مرکز آمار ایران

نوسانات نرخ ارز، ادامه دار بودن تحریم‌ها و اثرات ناشی از نتایج انتخابات قریب‌الوقوع در ایالات متحده، همچنین احتمال تعدیل نرخ‌های ارز ترجیحی نیمایی و مبادله‌ای، احتمال تعدیل قیمت حامل‌های انرژی و افت نرخ رشد اقتصادی، چشم انداز کاهش تورم را دچار مخاطره کرده است.

د. شاخص مدیران خرید

شاخص تعدیل شده مدیران خرید کل اقتصاد (شامخ) در اردیبهشت ۱۴۰۳ معادل ۵۰,۷ برآورد شده که بیانگر بهبود اندک اقتصاد کشور نسبت به ماه قبل است (نمودار ۷). شاخص تعدیل شده «میزان تولید محصول یا ارائه خدمات» در ماه اردیبهشت نشان می‌دهد که میزان تولید کالاها و خدمات در این ماه نسبت به فروردین، با وجود اتمام تعطیلات فروردین ماه در شرکت‌ها، مشابه ماه قبل بوده است. شاخص تعدیل شده «میزان سفارشات جدید مشتریان»، شاخص تعدیل شده «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده» و شاخص تعدیل شده «میزان فروش کالاها یا خدمات» در این ماه، همگی کاهش و بیانگر دشوارتر شدن شرایط نسبت به فروردین است. مشکلاتی مانند نوسان نرخ ارز، کمبود نقدینگی و مشکل در تهیه مواد اولیه نیز از جمله مشکلاتی است که در ماه‌های اخیر، با تواتر بالایی از سوی فعالین اقتصادی مطرح می‌شود.

نمودار ۷: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد

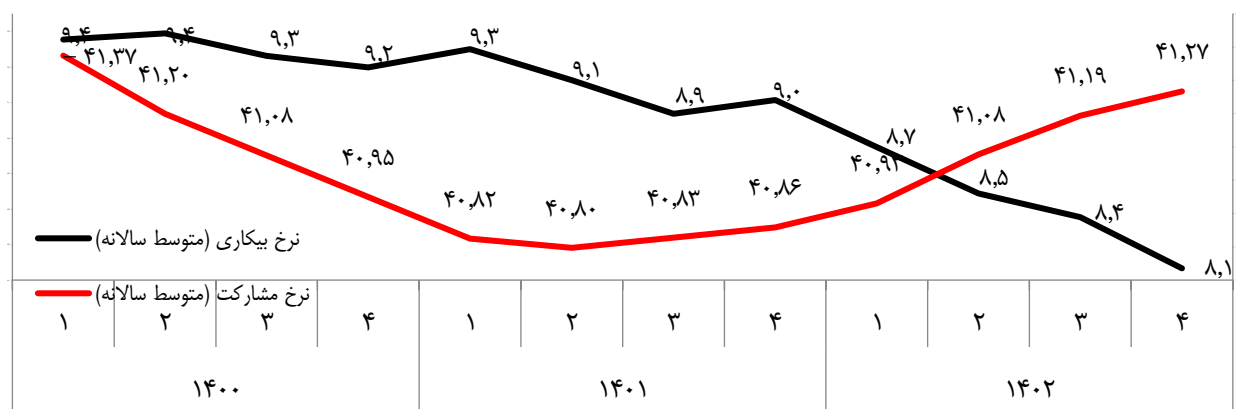


منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

۵. اشتغال

نهایتاً میزان اشتغال بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، در ادامه روند صعودی خود به ۲۴ میلیون و ۴۹۰ هزار نفر در فصل زمستان ۱۴۰۲ رسیده‌است. متوسط سالانه نرخ بیکاری نیز با حفظ روند نزولی خود به ۸,۱ درصد در زمستان ۱۴۰۲ کاهش یافته‌است. (نمودار ۸). آنچه مسلم است تحلیل وضعیت بازار کار ایران به دلیل نوع ساختار اقتصاد، نیازمند دقت نظر بیشتری است. عمده تحولات رخ داده در وضعیت اشتغال، بیکاری و نرخ مشارکت، تحت تأثیر رشد بخش خدمات (که در ایران عمدتاً یک بخش کاربر است)، بوده است. با این وجود توجه به این نکته نیز ضروری است که به دلیل ساختارهای حاکم بر بازار کار ایران، در کنار شاخصهای مذکور باید به نرخ اشتغال ناقص و کیفیت مشاغل نیز توجه شود. در غیر این صورت در بسیاری از مناطق کشور، نرخ پایین بیکاری با حقیقت وضعیت اشتغال در آن منطقه همخوانی ندارد.

نمودار ۸: متوسط نرخ بیکاری و مشارکت (درصد)

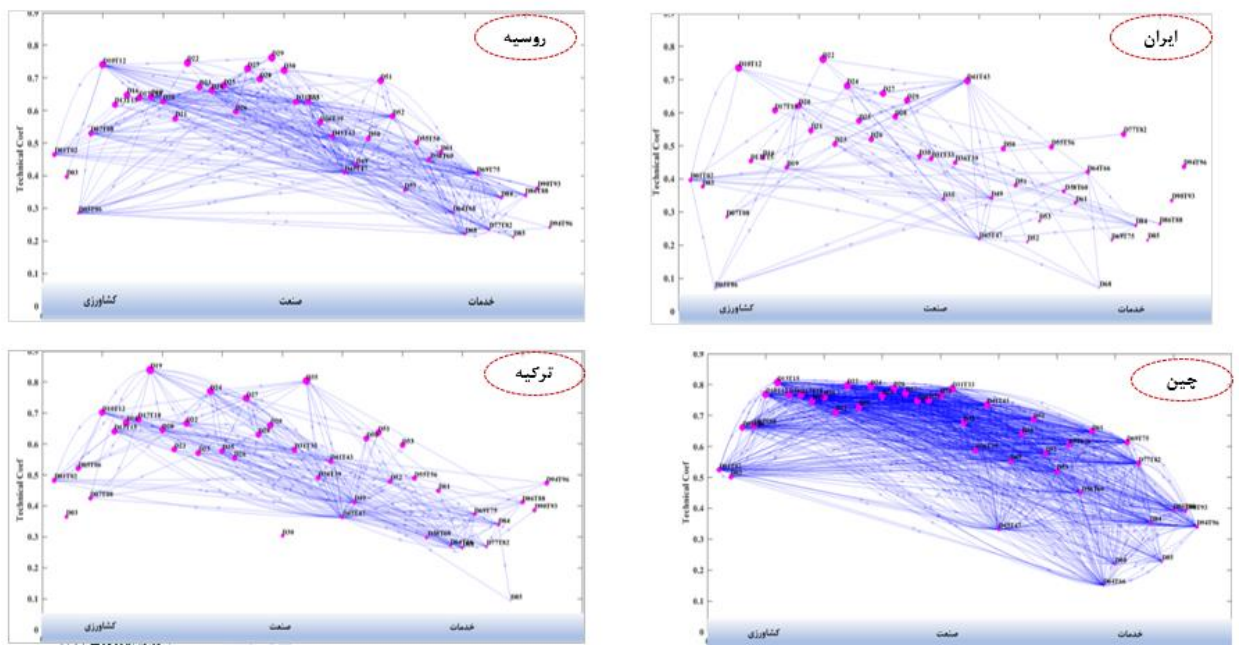


منبع: مرکز آمار ایران

و. ساختار شبکه اقتصاد ایران

فراتر از شاخص‌های کلان، نگاهی به ساختار شبکه اقتصاد ایران و مقایسه آن با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نیز، گویای آن است که به واسطه دهه‌ها سیاست‌های ارزی، پولی، مالی و تجاری ناهماهنگ و غیرهمسو، بنیه تولیدی کشور تضعیف شده و شبکه اقتصادی بسیار ضعیف و غیردرهم تنیده‌ای ایجاد کرده است. به عبارتی دولت‌ها طی دهه‌های گذشته برنامه مشخصی برای توسعه اقتصادی کشور نداشتند، لذا ارتباط معناداری بین بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در کشورمان وجود ندارد و حتی در مقیاس داخلی، زنجیره‌های ارزش شکل نگرفته‌اند. شبکه اقتصاد و درهم تنیدگی اقتصاد ایران شبیه کشور عربستان با مختصات خام فروشی است و کشورهای نظیر چین، هند، ترکیه و حتی روسیه شبکه بسیار درهم تنیده تری نسبت به ایران دارند. به همین ترتیب نقش ایران در زنجیره ارزش جهانی نیز بسیار ناچیز است و عملاً در زنجیره ارزش جهانی نقش تامین کننده مواد خام را به عهده گرفته و در ایجاد ارزش افزوده نقش چندانی ندارد و در نتیجه حذف آن از مراودات بین‌المللی به راحتی امکان پذیر شده است.

شکل ۱: مقایسه شبکه اقتصاد ایران با سایر کشورها



* محور افقی از چپ به راست شامل فعالیت‌های بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است و محور عمودی ضرائب نهاده‌ها (به این معنا که هر بخش برای تولید هر یک واحد ارزش ستانده به چه میزان کالا از بخش‌های دیگر استفاده می‌کند) را نشان می‌دهد.

* ارزش زیر ۵۰۰ میلیون دلار در نمودارها دیده نشده است.

چشم انداز متغیرهای اقتصاد کلان در افق ۱۴۰۴-۱۴۰۰

پیش بینی مدل‌های اقتصادی درباره متغیرهایی مانند رشد اقتصادی و تورم، چیست؟ پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از متغیرهای اقتصادی که در سال ۱۳۹۹ درباره روند متغیرهای اقتصادی طی دوره ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ در دو سناریوی عدم انجام اصلاحات و انجام اصلاحات (جزئی، متوسط و اساسی) انجام شد، حاوی نکات تکان دهنده‌ای بود که ضرورت تغییر رویه در نحوه اداره کشور و سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری، را نشان می‌داد. نتایج حاصل از این سناریوسازی اذعان می‌کرد که در صورت تداوم رویه‌های موجود، شاخص‌های کلان اقتصادی تا افق ۱۴۰۴ وضعیت مناسبی نخواهند داشت.

در پیش‌بینی انجام شده که تحت سناریوی اصلاحات مطرح شد، اصلاح نظام مالیاتی و کنترل رشد هزینه‌های دولت به صورت همزمان اعمال می‌شود. در صورت عدم اجرای اصلاحات و ادامه سناریوی پایه، تورم در کل دوره ۴ ساله تا انتهای ۱۴۰۱، روندی افزایشی داشت و به حدود ۷۰ درصد می‌رسید. این در حالی است که در صورت اعمال اصلاحات با توجه به افزایش درآمدها و کاهش هزینه‌ها و کنترل کسری بودجه دولت از ابتدای سال ۱۴۰۱، تورم سیر نزولی داشت و تا انتهای سال ۱۴۰۴ در بازه ۵ الی ۲۸ درصد قرار می‌گرفت.

همچنین در صورت عدم اجرای اصلاحات و تداوم محدودیت صادرات نفت، قیمت ارز چند برابر نرخ‌های فعلی تا انتهای سال ۱۴۰۴ رشد می‌کرد در حالی که اعمال اصلاحات منجر به کنترل نرخ ارز در انتهای دوره چهار ساله (۱۴۰۴-۱۴۰۰) در محدوده ۴۰ الی ۹۰ هزار تومان می‌شد.

در غیاب اعمال اصلاحات اساسی، روند فزاینده کسری بودجه که از سالیان گذشته شروع شده، ادامه داشت و در انتهای دوره ۴ ساله (۱۴۰۴-۱۴۰۰) به بالای یک میلیون میلیارد تومان می‌رسید. در حالی که با اعمال اصلاحات اساسی، کسری بودجه در محدوده ۳۰ الی ۲۵۰ هزار میلیارد تومان کنترل می‌شد. نکته قابل توجه آن که چه در صورت تداوم شرایط موجود و چه در صورت انجام اصلاحات، رشد اقتصادی از سال ۱۴۰۲ به زیر ۲ درصد کاهش می‌یافت و در سال‌های آتی هم در همین محدوده باقی خواهد ماند و دستیابی به نرخ‌های بالاتر رشد اقتصادی، نیازمند اصلاحات گسترده‌تر در سایر حوزه‌های اقتصادی بود.

در واقعیت، تلاش‌های دولت سیزدهم به ویژه افزایش صادرات نفت، کنترل رشد مخارج دولت، کنترل رشد نقدینگی و همچنین دیپلماسی فعال با همسایگان و رفع برخی تنش‌های منطقه‌ای، موجب شد تا خوشبختانه رشد اقتصادی بالاتر از برآوردهای مدل و تورم اندکی کمتر از برآوردها محقق شود. البته تخفیف نسبتاً سریع عوارض کرونا هم اثر خود را در کاهش بیکاری و رشد اقتصادی گذاشت.

آنچه مسلم است این که با تداوم وضع موجود و مداخلات گسترده دولت در بازارهای مختلف، سیگنال‌دهی قیمت‌ها به عنوان مهمترین شاخص جهت دهنده به فعالیت‌های اقتصادی به درستی کار نخواهد کرد و لذا امکان بهبود قابل توجه فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد. از سوی دیگر با توجه به فرض تداوم تحریم‌ها و دشواری صادرات، تقاضای تولید هم کاسته شده و لذا



رشد اقتصادی متاثر خواهد شد. افزایش مالیات نیز با توجه به آثار انگیزشی منفی بر احاد اقتصادی، زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم کرده و همزمان، کاهش مخارج دولت از طریق کاهش تقاضای کل در اقتصاد نیز اثر مشابهی بر تولید و رشد خواهد داشت. لذا دستیابی به رشد اقتصادی بالا و تداوم آن، در گروی انجام اصلاحات اساسی در حوزه‌های پولی، ارزی، مالی و تجاری و انرژی است که انجام آنها نیازمند سرمایه اجتماعی دولت و همراهی مردم است.

رویکرد تحول آفرین: بهبود توان تولید رقابت پذیر ملی

از منظر بخش خصوصی، اولویت اصلی رئیس‌جمهور آینده باید ایجاد تغییر در مسیر فعلی اقتصاد کشور و اتخاذ یک رویکرد تحول آفرین باشد. این تحول از طریق "حرکت از حکمرانی بر پایه نفت و گاز به حکمرانی اقتصادی بر پایه بهبود توان تولید رقابت پذیر کشور در هم‌پیوندی متناسبی با شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی و زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی" ممکن خواهد بود. حداکثر کردن منابع حاصل از تولید و صادرات نفت و گاز و استفاده از آن برای بهبود کیفیت و کمیت زیرساختها و ورود فناوریهای ضروری برای تقویت تولید، یکی از الزامات اساسی موفقیت در این مسیر است.

شایسته توضیح است که سازوکارهای اقتصادی معمول در یک اقتصاد سالم، بر پایه تولید و تجارت، کارکردهای صحیح و بادوام دارد. در چنین اقتصادهایی، بنگاهها قلب جریانهای اقتصادی محسوب میشوند و در فرایند تولید کالاها و خدمات چهار جریان اقتصادی مهم خلق می‌کنند: حقوق و دستمزد برای کارگران و کارمندان، مالیات برای دولت، حق بیمه بازنشستگی برای صندوقها و سود که در صورت سرمایه‌گذاری، به تدریج موجب بزرگتر شدن اقتصاد خواهد شد. عمده نظریه‌های اقتصادی به دنبال توضیح کارکردهای صحیح بازارهایی هستند که جریانهای حقیقی و مالی از طریق آنها به تعادل میرسند و امکان رشد اقتصاد و در نتیجه بهبود رفاه مردم در میان مدت و بلندمدت را فراهم میکنند.

با توجه به آنچه ذکر شد، تقویت بنگاه‌های تولیدی با هدف ارتقای تولید رقابت پذیر و جایابی در زنجیره ارزش جهانی، باید در محوریت بازسازی اقتصاد ایران قرار گیرد، به نحوی که پتانسیل پیوند میان زنجیره‌های ارزش تولید داخل با زنجیره‌های ارزش کشورهای همسایه در گام نخست و سپس با زنجیره‌های ارزش جهانی در کشورهای منتخب فراهم شود. در این مسیر لازم است یک سیاست خارجی متوازن، پویا و دستاورد-محور (که مولفه‌های اصلی آن در سیاستهای شش گانه پیشنهادی انتهای این متن تبیین خواهد شد) به صورتی عقلایی و هوشمندانه بکار گرفته شود و از همه ابزارها در جهت رفع یا کاهش اثر تحریم‌های بین‌المللی استفاده شود تا زمینه پیوند اقتصاد ایران با بالاترین سطح تولید ارزش افزوده در منطقه و جهان فراهم شود.

از منظر بخش خصوصی، ارتقای ظرفیت‌های تولیدی و اشتغال‌زایی اقتصاد کشور از مسیر فراهم ساختن الزامات و پیش‌نیازهای لازم به منظور ارتقای توان تولید رقابت پذیر می‌گذرد. اما بازخوانی مسیر طی شده در توسعه کشور گویای این واقعیت است که به دلیل دسترسی آسان به منابع حاصل از نفت و گاز و تمرکز عمده دولت و دستگاه‌های سیاستگذار بر تخصیص و تقسیم آن و مسائلی از قبیل فقدان ثبات سیاستی به ویژه در حوزه تضمین مالکیت (که شامل حق داشتن محیط کسب و کار با ثبات نیز هست) و عدم اجرای درست سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی که منجر به توزیع گسترده سود شرکتها و مصرف آن

به جای سرمایه‌گذاری شد، توجه کافی به اهمیت ارتقای توان تولید رقابت پذیر و نقش بنگاهها در خلق جریان فوق، معطوف نبوده است.

واقعیت تلخ آن است که برخی از مهمترین نتایج سیاست گذاری اقتصادی عوام زده و مبتنی بر رویکردهای انزواگرایانه سیاسی، به شرح زیر بوده است:

- از حیث تقسیم کار بین المللی، کشور به **صادرکننده نفت و گاز و سایر کالاهای خام و نیمه خام** به خارج تبدیل شده و با ارزش حاصل از آن، اقدام به واردات انواع نهاده‌ها و محصولات نهایی کرده است. در این تقسیم کار، به دلیل عدم حضور فعال در شبکه‌های ژئواکونومیک و زنجیره‌های جهانی ارزش، اتکاء کشور بر مولفه‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک، به صورتی نامتوازن افزایش یافته و منجر به فرسایش و تخلیه درونی ظرفیت‌های کشور شده است.
- از حیث داخلی نیز نتیجه به صورت **صنعت زدایی، کاهش انگیزه تولیدکنندگان برای صادرات و برنده بودن دائمی وارد کنندگان** ظاهر شده است.
- از حیث مدیریت ارزی نیز **فشار بر بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز** و به طور خاص تمرکز بر کنترل نرخ ارز همواره وجود دارد.

تغییر الگوی فکری اداره کشور به سمت تکمیل تدریجی زنجیره های ارزش داخلی و تقویت تولید رقابت پذیر، این امکان را فراهم میکند که به مدیریت جزیره ای اقتصاد کشور توسط وزارتخانه ها و سازمانهای مختلف خاتمه داده شود. در این رویکرد، وزارتخانه های مصرف کننده ارز به همان اندازه مسئول مدیریت بازار ارز هستند که از بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه انتظار می رود. چنین رویکردی به واسطه ایجاد یک فهم مناسب از زنجیره ارزش و راهبرد توسعه صنعتی کشور، به کارگزاران سیاست خارجی در تامین فناوریهای مورد نیاز برای ارتقای تولید و یافتن بازارهای صادراتی مناسب کمک خواهد کرد.

الف) چارچوب پیشنهادی برای تغییر رویکرد به سمت تولید محوری در ایران

بر اساس بررسی‌های کارشناسی:

- ❖ ظرفیت‌های اقتصادی کشور، امکان تحول درآمد سرانه حقیقی در میان مدت را فراهم می کند و این موضوع، می‌بایست هدف اصلی سیاست‌های اقتصادی کشور باشد. جلب همکاری‌های بین‌المللی برای استفاده از داشته‌های کشور و استفاده از موقعیت ژئواکونومیک آن، نیازمند سازوکارها و نگرش‌های جدید است.
- ❖ امکان تداوم رویه‌های قبلی برای صادرات نفت و گاز و واردات کالاهای مصرفی و نهاده‌ها وجود ندارد و لذا رشد اقتصادی ایران برای دهه آینده باید بر پایه یک تغییر رویکرد به اقتصاد قوی با حضور بخش خصوصی و شبه‌دولتی و دولت (در یک تقسیم کار روشن) و با هدف افزایش متعهدانه تولید رقابت‌پذیر و صادرات محور باشد. یکی از مشخصات مهم چنین اقتصادی، مقاومت اقتصاد در مقابل انواع شوک‌ها، از جمله تحریم‌ها خواهد بود.



❖ در صورت پذیرش نکات فوق، هدف اصلی سیاست‌های هفتگانه صنعتی و پولی و ارزی و تجاری، مالی، محیط کسب و کار و سیاست خارجی، باید تقویت بخش حقیقی اقتصاد به منظور تقویت توان تولید رقابت‌پذیر در کشور باشد.

❖ برای دستیابی به هدف فوق، نیاز مبرم به یک برنامه تحولی میان مدت وجود دارد. اگرچه شروع کار دولت جدید همزمان با شروع دوره ابلاغ و اجرای برنامه هفتم توسعه خواهد بود اما **واقعیت آن است که مفاد برنامه هفتم برای تحول اساسی اقتصاد کشور کفایت لازم را ندارد و نیازمند اصلاحات جدی است.**

ب. سیاست‌های پیشنهادی

یکی از مشکلات سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ایران (سیاست‌های پولی و ارزی، مالی، تجاری و صنعتی)، پراکنده بودن مراکز تصمیم‌گیری و فقدان یک نقشه راه برای تضمین سازگاری و هماهنگی میان آنها است. در صورتی که "تقویت تولید رقابت‌پذیر ملی" به عنوان محور همه سیاست‌گذاری‌های فوق پذیرفته شود، آنگاه لازم است شورای اقتصاد (که در حال حاضر عمده وقت آن صرف تصمیم‌گیری‌های موردی و پروژه‌ای می‌شود)، فعال شده و نقش پررنگی در هماهنگی سیاستی فوق و مطالبه الزامات سیاست خارجی آن ایفا کند. توصیه‌های اصلی در حوزه هر سیاست به شرح زیر است:

۱. سیاست صنعتی:

اگرچه تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی در سه برنامه توسعه چهارم، پنجم و ششم مورد تأکید قرار گرفته و حکم مشخصی برای آن در نظر گرفته شده، اما تاکنون این مهم محقق نشده است. فقدان سند استراتژی توسعه صنعتی و ناتوانی در شناسایی و حمایت از صنایع پیشران، موجب شده منابع به سمت صنایعی تخصیص داده شوند که تأثیرگذاری چندانی بر تحول ساختار صنعتی کشور و ارتقاء فناوری و قابلیت‌های صنعتی نداشته‌اند. همچنین، حمایت‌های غیرهدفمند از برخی صنایع طی سالیان گذشته باعث شده، تعداد بیشماری واحد تولیدی با مقیاس‌های کوچک و کم بازده شکل بگیرند، در حالی که در طی همین سال‌ها برخی از واحدهای صنعتی موجود، به دلیل تنگنای تأمین مالی و ضعف تکنولوژیکی به صورت ناکارا و غیر بهینه به حیات خود ادامه داده‌اند. در این راستا بخش خصوصی از دولت محترم انتظار دارد:

۱. **همزمان با تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی، نظام حکمرانی بهبود و ارتقا یابد.** چراکه مجری اصلی سند استراتژی توسعه صنعتی، دستگاه حکمرانی و کارکنان بخش عمومی کشور هستند و از این رو، حکمرانی خوب پیش نیاز تدوین و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت است. اگر بهترین برنامه‌ها هم تدوین شود، اما ساختار حکمرانی قادر به پیشبرد آن نباشد، نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد.
۲. در تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی، به اصل اولویت‌بندی به معنای "**برگزیدن تعداد محدودی صنایع پیشران**" توجه شود.

۳. **تمرکز بر زنجیره های ارزش اصلی در کشور در پیوند با زنجیره های ارزش جهانی** باید محور قرار گیرد. در کنار تلاش برای توسعه روابط با اوراسیا و روسیه و استفاده از ظرفیت پیمان شانگهای، بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، توسعه روابط اقتصادی با هند و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای تکمیل زنجیره های ارزش داخلی و پیوند آن با کشورهای همسایه بسیار ضروری است.
۴. **برنامه عملیاتی مشخصی** برای تامین مالی و فن آوری صنایع برگزیده و تکمیل زنجیره ها و پیوند با اقتصاد منطقه و اقتصاد بین الملل در نظر گرفته شود.
۵. **مداخلات دولت و نهادهای دولتی** در زمینه هایی که بخش خصوصی حاضر به سرمایه گذاری است و حذف قیمت گذاری دستوری از هر نوع. ممنوع شود.
۶. برای **توسعه اقتصاد دیجیتال** که پیشرفت آینده کشور در گرو آن است، **رفع فیلترینگ در اولویت قرار گیرد.**

نگاهی به برنامه هفتم نشان می دهد که در فصل ۱۰ مرتبط با طرح های صنعت و معدن و رشد تولید و در بند الف ماده ۴۸ به "چند طرح بزرگ اقتصادی ملی و پیشران از قبیل دالان های راهبردی گذر (ترانزیت) ریلی و دریایی - تحول رقومی (دیجیتال) - توسعه منطقه مکران و اروند -" توسعه زنجیره اکتشاف و استخراج نفت و گاز و پترو پالایشگاهها و صنایع پایین دستی پتروشیمی و ... اشاره شده است. همچنین در بند ت ماده ۴۸ به "تهیه سند «راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره های ارزش کشور» بر مبنای معیارهای آمایش سرزمین و توسعه متوازن، نفی خام فروشی و تکمیل زنجیره ها، تحرک بخشی به صادرات و انتشار فناوری های نوین و با تکیه بر مزیتها و اولویتهای کشور از جمله صنایع برق و ریز (میکرو) الکترونیک، خودروسازی با اولویت خودروهای برقی و برقی - بنزینی (هیبریدی)، ماشین سازی و ساخت تجهیزات، صنایع پایین دستی نفت و گاز و پتروشیمی، معدن با اولویت مس و عناصر نادر خاکی، خدمات فنی مهندسی، نساجی و پوشاک و بازیافت، همراه با اخذ نظرات اتاقهای بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، تعاون ایران و اصناف ایران،" اشاره گردیده است. انتظار می رود دولت آینده تمام تلاش خود را برای همراستایی سند استراتژی توسعه صنعتی با مفاد مرتبط با آن در برنامه و سند آمایش سرزمین صورت دهد تا این اسناد هم به اسنادی کتابخانه ای تبدیل نشوند و نقشه راهی برای تولیدات صنعتی کشور باشند.

۲. سیاست پولی:

اجرای سیاست کنترل رشد مقداری ترازنامه بانکها برای کنترل تورم، در عمل از قدرت تسهیلات دهی بانکها کاسته و بر تنگنای تأمین مالی بنگاه های خصوصی افزوده است، به نحوی که بر اساس گزارش پایش محیط کسب و کار اتاق ایران، طی شش فصل گذشته (از پاییز ۱۴۰۱ تا زمستان ۱۴۰۲)، دشواری تأمین مالی از بانکها از جایگاه سوم موانع فرا روی کسب و کارها به جایگاه دوم ارتقا یافته است. همچنین، اجرای این سیاست موجب انتقال منابع مالی شبکه بانکی از بخش غیردولتی به بخش دولتی شده است. شاهد این مدعا وضعیت رشد مانده تسهیلات بخش دولتی و غیردولتی در

شبکه بانکی است. بر اساس گزارش بانک مرکزی، متوسط ۱۲ ماهه رشد مانده تسهیلات بخش غیردولتی از ۴۲,۱ درصد در اسفند ۱۴۰۱، به ۳۵,۶ درصد در بهمن ماه (متوسط یکساله) سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است. این در حالی است که متوسط ۱۲ ماهه رشد مانده تسهیلات شبکه بانکی به دولت و شرکت‌های دولتی در اسفند ۱۴۰۱ از ۳۱,۹ درصد به ۲۱,۱ درصد در بهمن ماه (متوسط یکساله) سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. همچنین افزایش نرخ سود اسناد خزانه دولت به بالای ۳۰ درصد در اواخر سال ۱۴۰۲ و ماندگاری آن در این محدوده، حاکی از گران شدن تأمین مالی برای بخش خصوصی و به رسمیت شناخته شدن نرخ سود بالای ۳۰ درصد در شبکه بانکی است. اتاق ایران در راستای حل و فصل مشکلات تأمین مالی واحدهای اقتصادی، توصیه می‌کند:

۱. **سیاست‌های اقتصادی به ویژه سیاست‌های پولی و اعتباری با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد اتخاذ شود و از**

تشدید سیاست‌های پولی و اعتباری انقباضی در شرایطی که تولیدکنندگان تحت فشارهای هزینه‌ای شدید قرار دارند، پرهیز شود. با توجه به رویکرد کلی برنامه هفتم در این خصوص می‌توان گفت که برای کاهش فشار بر تولیدکنندگان و عدم تشدید سیاست‌های پولی و اعتباری انقباضی، برنامه مشخصی مشاهده نمی‌شود و حتی شواهدی دال بر پیشبرد رویه فعلی در انجام سیاست‌های انقباضی قابل مشاهده است. لذا توصیه اکید به دولت جدید اصلاح این رویه در برنامه هفتم است.

۲. در کنار سیاست کنترل رشد مقداری ترازنامه بانک‌ها، برنامه تأمین مالی بانک‌ها و موسسات مالی به نحوی تنظیم شود که **سهم مشخصی از منابع بانک‌ها به تأمین سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری ایجاد و توسعه‌ای بخش‌های خصوصی و تعاونی تخصیص یابد.** انتظار می‌رود در برنامه توسعه هفتم این مساله ردگیری شود ولی جای آن در لایحه همچنان خالی است.

۳. نظام حکمرانی پولی از طریق اصلاح نظام بانکی و نظام مالی با تأکید بر **انطباق با استانداردهای بین‌المللی** ارتقاء یابد.

۴. **سازوکار تخصیص منابع بانکی** روی سامانه‌ای کاملاً شفاف اعلام و لیست دریافت‌کنندگان این منابع هر ماه اعلام شود.

۵. فرایند تصمیم‌گیری درباره **ذینفع واحد** مشخص شود (حساب یک واحد بزرگ سوده تولیدی به خاطر مسئله مالی یک واحد خدماتی کوچک در زنجیره هلدینگ بسته می‌شود که هر دو طبق قانون تجارت شخصیت حقوقی مستقل هستند).

۳. سیاست ارزی:

متأسفانه در سال‌های اخیر، سیاست‌های ارزی کشور، متأثر از شرایط داخلی و بین‌المللی، با نوسانات زیادی همراه بوده که شرایط را برای فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و کل جامعه دشوار ساخته است. تداوم تحریم‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی، وفور آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ارزی بدون اخذ نظر از فعالان اقتصادی و سخت‌گیری‌های یکطرفه برای



رفع تعهد ارزی بدون در نظر گرفتن شرایط تحریمی و محدودیت‌های ناشی از آن از جانب مقام ارزی کشور، سبب شده تا هدف تصریح شده در برنامه هفتم مبنی بر تحقق رشد متوسط سالانه حدود ۳۰ درصدی در صادرات غیرنفتی، ناممکن به نظر آید. اتاق ایران در راستای حل و فصل مشکلات ارزی بخش خصوصی واقعی، به دولت جدید توصیه می‌کند:

۱. در تعیین سیاست‌های ارزی، **تقویت تولید رقابت‌پذیر معیار اصلی سیاست‌گذاری** باشد.
۲. هزینه مبادلات اقتصادی ایران در سطح بین‌المللی به ویژه از طریق پیوستن به **گروه ویژه اقدام مالی (FATF)** کاهش یابد.
۳. **سیاست‌ها و مقررات** (از جمله پیمان سپاری ارزی) **درباره ارز حاصل از صادرات محصولات منبع پایه (مانند پتروشیمی و معدنی و ...)** از صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی و خدمات فنی و مهندسی مجزا شود. دولت خود می‌تواند متناسب با سیاست صنعتی کشور، ارزهای حاصل از صادرات این دسته را با نرخ بازار که امکان تداوم تولید و صادرات را فراهم می‌کند، خریداری کند و به واردکنندگان تخصیص دهد.
۴. ضمن تلاش برای حذف ارزهای چندنرخ، بر فرآیند تخصیص ارز ترجیحی از ابتدا تا انتهای زنجیره رسیدن کالا به دست مصرف‌کننده، نظارت دقیق و کارآمد صورت گیرد و **اسامی گیرندگان ارزهای با نرخ ترجیحی به‌طور منظم اعلام شود.**

۴. سیاست مالی:

وابستگی شدید اقتصاد به منابع نفتی و گازی، باعث گردیده سیاست‌های بودجه‌ای و مالیاتی کشور متاثر شوند. ورود درآمدهای نفتی به بودجه و عدم اصلاح نظام مالیاتی در راستای تقویت تولید از جمله تبعات این معضل بوده است. این مساله، مانع از پاسخگویی موثر دولت به ملت به واسطه اتکای کمتر به مالیات گردیده است. با تشدید تحریم‌ها حاکمیت دریافت که اتکای صرف به درآمدهای نفتی برای اداره کشور امکان‌پذیر نیست و توجه بیشتری به مالیات‌ها در سال‌های اخیر نشان داده است. اما نکته مغفول آن است که در همین سال‌ها در اثر تنگناهای ناشی از تحریم‌ها، بخش‌های تولیدی کشور آسیب‌های جدی دیده‌اند و قادر به تحمل فشارهای مالیاتی مضاعف نیستند. لذا بازنگری در سیاست‌های مالی از الزامات دولت آینده است. در راستای تنظیم سیاست‌های مالی در خدمت تولید، بخش خصوصی به دولت محترم توصیه می‌کند:

۱. به منظور کاهش وابستگی هزینه‌های جاری دولت به منابع حاصل از صادرات نفت و گاز، **سقف سهم ریالی دولت از محل صادرات نفت و گاز طبیعی در منابع عمومی بودجه سالانه تعیین شده و سالانه ۱۰ درصد از این سهم کاسته شود** و برای توسعه سرمایه‌گذاری در امور تولیدی به صندوق توسعه ملی واریز شود.
۲. ایجاد یک نظام مالیاتی شفاف، عادلانه و مدرن با پایه‌های مالیاتی گسترده‌تر، به منظور **کاهش نرخ‌های مالیاتی و بار مالیاتی بر روی فعالان اقتصادی و تشویق کننده سرمایه‌گذاری**، در دستور کار قرار گیرد. متأسفانه در برنامه هفتم،



موضوع کاهش نرخ مالیاتی بر فعالان اقتصادی وجود ندارد، اما تصریح شده که "وضع هرگونه تخفیف، ترجیح، بخشودگی، کاهش نرخ، معافیت و شمولیت نرخ صفر و اعطای اعتبار مالیاتی جدید به جز مواردی که به تشخیص مجلس منجر به افزایش یا رونق تولید و صادرات شود در سالهای برنامه ممنوع است". همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شده تا با همکاری سازمان برنامه و بودجه، ظرف شش ماه از لازم الاجرا شدن قانون برنامه، لوایح قانونی مورد نیاز برای کاهش تخفیفات، اعتبار مالیاتی، نرخ صفر، معافیت یا بخشودگی و ترجیحات مالیاتی و گمرکی را به منظور جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیرمولد، ساماندهی معافیت‌های غیرضروری و تقویت معافیت‌های منجر به رشد تولید، تنظیم و ارائه نماید.

۳. استفاده حداکثری از انتشار اوراق و **جایگزینی اوراق بلند مدت به جای کوتاه مدت** و همزمان افزایش سهم مالیات (سازگار با تقویت تولید رقابت پذیر) در دستور کار قرار گیرد. در برنامه هفتم به نوعی این مساله ردگیری شده؛ به نحوی که در بند پ ماده ۳، وزارت امور اقتصاد و دارایی مکلف شده است بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری عموم مردم در طرح (پروژه)‌های دارای بازدهی یا ارزآوری بالا را در قالب عرضه عمومی سهام شرکت سهامی عام طرح (پروژه) و همچنین انتشار اوراق بدهی (ارزی-ریالی) فراهم آورد و نسبت به رفع موانع تأمین مالی بخش خصوصی و تعاونی از جمله از طریق انتشار اوراق بدهی (ارزی-ریالی) اقدام نماید. در جدول ماده ۲۶ نیز سهم مالیات از GDP به ۱۰ درصد در طول برنامه افزایش یافته (این عدد در حال حاضر حدود ۵ الی ۶ درصد است) و نسبت مالیات به اعتبار هزینه ای ۸۰ درصد هدفگذاری شده است.

۴. مطابق با ظرفیت‌ها و ملاحظات در نظر گرفته شده در سند آمایش ملی و سندهای آمایش منطقه‌ای، کشور به چند منطقه تقسیم شود و **امتیازهای مالیاتی، یارانه سود بانکی، واگذاری زمین برای طرح‌های سرمایه‌گذاری و غیره در این مناطق تعیین شود**. در لایحه برنامه هفتم توسعه نیز موضوع تقسیم‌بندی کشور بر مبنای معیارهای آمایش سرزمین و توسعه متوازن، دیده شده است. وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز مکلف شده تا با هماهنگی وزارت کشور، وزارت جهاد کشاورزی و همکاری سایر دستگاه‌های اجرائی متولی طرح‌های تولید و اشتغال و اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق تعاون ایران و اتاق اصناف ایران بر مبنای سند فوق‌الذکر، نقشه راه زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار استان‌ها را متناسب با ظرفیت‌ها و مزیت‌های بومی و نقش استان‌ها در زنجیره‌های ارزش ملی، ظرف دو سال از لازم‌الاجرا شدن این قانون، تدوین و در شورای عالی آمایش سرزمین به تصویب برساند.

۵. **فرایند رسیدگی به بدهی‌های مالیاتی و تأمین اجتماعی** در شش ماه ریاست جمهوری دوره چهاردهم به روز و فرایند آن به صورت شفاف بیان شود.

۵. سیاست تجاری:

در شرایطی که کشور با انواع تحریم‌های ظالمانه مواجه بوده و محدودیت‌هایی در فروش نفت و انتقال ارز حاصل از آن به داخل دارد، صادرات غیرنفتی یکی از راه‌های تامین ارز برای کشور است. چند نرخ بودن ارز، مشکلات پیمان سپاری ارزی بخش خصوصی و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های یک شبه بر محصولات صادراتی، انگیزه و سوددهی بنگاه‌های صادراتی را کاهش داده و برخی اوقات صادرکنندگان خوشنام کشور را از میدان به در کرده است. باید در نظر داشت که رهایی از خام فروشی نیازمند توسعه صادرات غیرنفتی به ویژه صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا است که این مهم نیازمند به کار بستن تمهیداتی است. لذا به منظور توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات و نیز تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین‌المللی، اتاق ایران به دولت محترم پیشنهاد می‌کند:

۱. **سند توسعه تجاری کشور** مبتنی بر سند توسعه صنعتی و با هدف قرار گرفتن در زنجیره‌های ارزش جهانی تنظیم گردد.

۲. **قانون‌های بازاریابی تخصصی** در کشورهای هدف صادراتی در راستای توسعه صادرات بخش خصوصی، تاسیس شود.

۳. **رایزن‌های بازرگانی** با نظر بخش خصوصی در خارج از کشور منصوب شوند. در ماده ۱۰۱ برنامه هفتم عبارت " فراهم آوردن زمینه استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و تعاونی در جهت توسعه هرچه بیشتر روابط اقتصادی و تجاری خارجی با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون ایران " آمده است که یکی از مصادیق آن می‌تواند انتخاب رایزن بازرگانی با نظر بخش خصوصی و یا از تجار بخش خصوصی باشد.

۴. استانداردهای اجباری و تشویقی تعریف شده توسط سازمان ملی استاندارد در حوزه‌های صادرات و واردات به صورت مرتب **با استانداردهای بین‌المللی تطبیق** داده شوند و به سرعت اعلان عمومی شوند. مصداق این پیشنهاد در ماده ۱۰۱ برنامه هفتم هم آمده است: " انجام توافقات لازم با کشورهای طرف تجاری ایران در مورد رعایت استانداردهای مورد قبول طرفین با همکاری سازمان ملی استاندارد ایران و دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط "

۶. بهبود محیط کسب و کار

۱. اجرای دقیق آئین نامه های مواد (۲۴) و (۳۰) قانون بهبود محیط کسب و کار که پس از مدت ها به همت وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت سیزدهم به تصویب رسید برای سامان دهی نظام قانونگذاری و جلوگیری از اقدامات خلق الساعه دولت در صدور مقررات و بخشنامه های مخل کسب و کار.

۲. تعیین کرسی دائم برای اتاق بازرگانی در کلیه مجامع مرتبط با فرآیند تهیه لوایح و قوانین و مقررات.

۳. ارتقاء ظرفیت های صنعتی و تولیدی کشور از طریق ایجاد ثبات، اعتماد و امنیت در حوزه های اقتصادی و سرمایه گذاری .

۴. جدیت دولت در پیگیری اقدامات مرتبط با پیشگیری، کنترل و مبارزه با فساد.

۷. سیاست خارجی (رفاه در داخل ↔ صلح در خارج)

تحقق اهداف پنجگانه سیاست اقتصادی فوق مستلزم داشتن سیاست خارجی است که با **درک عقلایی و کنشی هوشمندانه**، رابطه هم‌افزای **رفاه در داخل ↔ صلح در خارج** را سرلوحه اقدامات خود قرار دهد و با پی‌گیری رهیافت ثبات و صلح به‌خصوص در سطح منطقه‌ای، زمینه‌ساز کامیابی سیاست‌های پنجگانه یاد شده گردد. **درک عقلایی** از روابط بین‌الملل کنونی، جهانی بسیار متحول و سیال را پیش روی ما ترسیم می‌کند که از دوران اتحادهای دائمی و پیوستن نامتوازن به یک بلوک ثروت/قدرت جهانی فاصله گرفته و به شراکت‌های چندگانه و منعطف با حداکثر بلوک‌های ثروت/قدرت نزدیک می‌شود تا منافع ملی کشور را در این عرصه پیچیده و پرتلاطم تامین کند. **کنش هوشمندانه** ناشی از این درک عقلایی نیز اتخاذ یک سیاست خارجی **متوازن، پویا و دستاورد-محور** را به موضوعی حیاتی برای کشور تبدیل کرده است. سه رکن این سیاست خارجی به شکل زیر خواهد بود:

۱. **متوازن:** با درک عقلایی ویژگی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران به عنوان یک **بازیگر موازنه‌گر** (Balancer)، از اتکاء ناموزون بر مولفه‌های ژئوپلیتیکی / ایدئولوژیکی در سیاست خارجی فاصله گرفته و بمنظور کامیابی سیاست‌های اقتصادی، بسوی توازن ژئواکونومیک ↔ ژئوپلیتیک حرکت می‌کند. ایران به مثابه **یک قدرت میانه موازنه‌گرا** (A Middle Power Balancer)، علاوه بر تلفیق منطق ژئواکونومیک ↔ ژئوپلیتیک، به‌صورت عملیاتی نیز جایگاه خود را در میانه بلوک‌ها و طرح‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی به گونه‌ای متوازن تعریف می‌کند تا ضمن پرهیز از مخاطرات پیوستن به یک بلوک ثروت/قدرت، از امتیازات بلوک‌های مختلف جهانی بهره‌مند شود.

۲. **پویا:** تحول و سیالیت به وجه مشخصه روابط بین‌المللی کنونی تبدیل شده و کنشگری پویا و منعطف در میانه ائتلاف‌ها و شراکت‌های متنوع بر اساس منطق همکاری-رقابت (Coopetition) را به ضرورت سیاست خارجی تبدیل کرده است. از این رو، رصد مستمر تحولات بین‌المللی، پرهیز از رکود و سکون در دامگه اصول سنتی ژئوپلیتیک/ایدئولوژیک و آمادگی برای تغییر جهت سیاست خارجی در دالان‌های نوین و متنوع روابط بین‌الملل، امری ضروری برای کامیابی سیاست‌های پنجگانه اقتصادی است.

۳. **دستاورد-محور:** با توجه به پیچیدگی بحران‌های نوظهور بین‌المللی که ماهیت انباشتی و لاینحل پیدا کرده‌اند، سیاست خارجی دستاورد-محور از یک سو تا جای ممکن از ورود به مناقشات مزمن جهانی و منطقه‌ای (به‌خصوص در غرب آسیا که چشم اندازی از بحران‌های مستمر و بی‌نهایت را پیش رو می‌گذارد) پرهیز کرده و از دیگر سو



سعی می‌کند با رهیافتی دستاورد-محور و مبتنی بر منطق هزینه-فایده عقلایی از پرونده‌های باز و بی‌انتهای مناقشات منطقه‌ای خارج شود و در عین حال کسب دستاورد برای تحقق سیاست‌های پنجگانه اقتصادی را مبنای کنش سیاست خارجی قرار دهد.

سیاست خارجی متوازن، پویا و دستاورد-محور از طریق طراحی و اجرای یک **دیپلماسی اقتصادی** هدفمند، سیاست‌های اقتصادی پنجگانه را تقویت می‌کند. **هدف این دیپلماسی اقتصادی، تحریم زدایی و تنیدگی در زنجیره های جهانی ارزش است.** تولید رقابت پذیر تنها در متن و بطن اقتصاد جهانی امکان پذیر است. به دیگر سخن سیاست خارجی در محیط عملیاتی به عنوان حلقه وصل کشور به اقتصاد جهانی نقش کلیدی در تولید رقابت پذیر ایفا می‌کند. ترجمه نقش آفرینی سیاست خارجی در تولید رقابت پذیر از مسیر دیپلماسی اقتصادی برون‌گرایانه قابل تحقق است. تنها در صورتی که دیپلماسی اقتصادی بتواند زمینه‌های ساختاری لازم را برای تنیدگی اقتصاد کشور در اقتصاد جهانی فراهم آورد، می‌توان از تولید رقابت پذیر به معنای دقیق آن سخن گفت.

مهمترین چالش دیپلماسی اقتصادی ایران در شرایط کنونی، تحریم‌های ایالات متحده است. تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده، حاکمیت اقتصادی کشور در بعد خارجی آن را به شدت نقض کرده است. به دلیل این تحریم‌ها، زمینه‌های ساختاری لازم برای تعامل ایران با اقتصاد جهانی به شدت آسیب دیده است. دسترسی به زیرساخت‌های مالی، بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری و داده‌ای لازم برای تعامل اقتصاد داخلی با اقتصاد جهانی تقریباً قطع شده است. از همین روست که تعاملات اقتصادی در سطح کلان عمدتاً با کشورهای محدودی در قالب‌های خاصی صورت می‌گیرد و بویژه در بخش خصوصی به تهاتر و تعامل مالی با تکیه بر صرافی‌ها محدود شده است. روشن است که یک اقتصاد بزرگ در مقیاس ایران را نمی‌توان با تکیه بر تهاتر، صرافی و رویا فروشی اداره کرد و به پیش برد.

در پاسخ به این چالش، مهم‌ترین اولویت دیپلماسی اقتصادی را می‌توان **تحریم زدایی** لقب داد. بدون لغو یا تعلیق تحریم‌ها، امکان ارتباط نرمال با اقتصاد جهانی وجود نخواهد داشت و بدون ارتباط نرمال با اقتصاد جهانی، تولید رقابت پذیر در حد رویا باقی خواهد ماند. تولید رقابت پذیر در صنایع کانونی اقتصاد کشور بویژه صنعت نفت و خودرو به شدت به زیرساخت‌های بین‌المللی وابسته است. بدون احیای دسترسی به این زیرساخت‌ها، اساساً پارادایم اقتصادی کشور در **حفظ بقای اقتصادی** باقی خواهد ماند. در جهان امروز کشورها تنها با مشارکت و تنیدگی در زنجیره‌های ارزش می‌توانند رشد و توسعه یابند. تحریم زدایی از اقتصاد کشور پیش شرط تنیدن در زنجیره‌های جهانی ارزش است و تنیدگی در این زنجیره‌ها شرط لازم توسعه اقتصادی کشور.

چکیده مشکلات و راهکارها

موضوع	چالش	راهکار
فقدان سند استراتژی توسعه صنعتی و ناتوانی در شناسایی و حمایت از صنایع پیشران	<ul style="list-style-type: none"> - تخصیص منابع به سمت صنایعی که تأثیرگذاری چندانی بر تحول ساختار صنعتی کشور و ارتقاء فناوری و قابلیت‌های صنعتی نداشته‌اند - شکل‌گیری تعداد بیشمار واحد تولیدی با مقیاس‌های کوچک و کم بازده به دلیل حمایت‌های غیرهدفمند از برخی صنایع طی سالیان گذشته 	ارتقای نظام حکمرانی به عنوان پیش‌نیاز تدوین و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت
		توجه به اصل اولویت‌بندی در تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی به معنای برگزیدن تعداد محدودی صنایع پیشران
		تمرکز بر مناطق جدیدی از جمله هند و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ضمن توجه به سایر مناطق به منظور پیوند با زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای
		تنظیم برنامه عملیاتی برای تامین مالی و تجهیز زیرساخت‌های فناورانه برای افزایش مشارکت در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی
تنگناهای ساختاری بخش تولید	<ul style="list-style-type: none"> - عدم توفیق بانک‌ها در هدایت جریان نقدینگی به سمت فعالیت‌های تولیدی و مولد اقتصادی - پرهزینه‌تر شدن واردات نهاده‌های تولیدی به دلیل نوسانات نرخ ارز - کاهش قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها به دلیل اعمال سیاست کنترل مقداری ترازنامه 	اجتناب از سیاست‌های پولی و اعتباری انقباضی در شرایطی که تولیدکنندگان تحت فشارهای هزینه‌ای شدید قرار دارند
		حمایت از تخصیص سهم مشخصی از منابع بانک‌ها به تامین سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری ایجاد و توسعه‌ای
		تخصیص منابع بانک‌ها به بنگاه متناسب با مقدار تولید و فروش آنها
تداوم تحریم‌ها بی‌ثباتی سیاسی نوسانات سیاست‌های ارزی	<ul style="list-style-type: none"> - وفور آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ارزی بدون اخذ نظر از فعالان اقتصادی و سخت‌گیری‌های یکطرفه برای رفع تعهد ارزی بدون در نظر گرفتن شرایط تحریمی و محدودیت‌های ناشی از آن 	لحاظ کردن تقویت تولید رقابت‌پذیر به عنوان معیار اصلی تعیین سیاست‌های ارزی
		مجزا کردن سیاست‌های مربوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات محصولات منبع پایه از صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی و خدمات فنی و مهندسی
		سازماندهی مجدد سازوکارهای واردات برخی اقلام اساسی
ساختار بودجه‌ای وابسته به منابع نفت و گاز	<ul style="list-style-type: none"> - پاسخگویی غیر موثر دولت به مردم به واسطه اتکای کمتر به مالیات 	تعیین سقف سهم ریالی دولت از محل صادرات نفت و گاز طبیعی در منابع عمومی بودجه سالانه و کاهش ده درصدی آن در هر سال
		استفاده حداکثری از انتشار اوراق برای هزینه‌کرد در هزینه‌های عمرانی

موضوع	چالش	راهکار
	- عدم توان بنگاه‌ها برای تحمل فشارهای مالیاتی مضاعف به دلیل تنگناهای ناشی از تحریم	ایجاد یک نظام مالیاتی شفاف، عادلانه و مدرن با پایه‌های مالیاتی گسترده‌تر
سیاست‌های تجاری ناکارآمد	- کاهش انگیزه و سوددهی بنگاه‌ها به دلیل مشکلات ناشی از چندنرخ‌ی بودن ارز، پیمان‌سپاری ارزی و سایر مشکلات - خام‌فروشی و صادرات محصولات با ارزش افزوده پایین	تدوین سند توسعه تجاری کشور مبتنی بر سند توسعه صنعتی و با هدف قرار گرفتن در زنجیره‌های ارزش جهانی انطباق استانداردهای اجباری و تشویقی سازمان ملی استاندارد در حوزه صادرات و واردات با استانداردهای بین‌المللی
ناکارآمدی سیاست خارجی	اثر ناکارآمدی سیاست‌های خارجی بر دستیابی به نتایج پیش‌بینی شده در سیاست‌های پنج‌گانه قبلی	اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن، پویا و دستاورد-محور